

ایران در عزای ملی

سینه‌بند زنده‌ی درختان خیز از دست
پیشانی‌بزم برآید سر صبح از دست

ایران در عزاست. درفش‌های آزادی و داندنیم افراشته، کوجه‌ها خاموش و خانه‌ها برشیون. شهیدان بی کفن در خاک، شهیدان بی کفن در راه. شهیدان زنده پای جوبه‌دار و سینه‌دیوار. تکرک تیروفوراه خون، پشت هر جوار. بقچه‌ای لباس و بسته‌ای یادگار، و نامه‌ای کوتاه: "اشتب مسارا می‌برند. گروه‌گروه. گروهی امروز و گروهی فردا. همه را می‌برند."
نامه‌ها کوتاه است: "ما در مبارزات کهنه‌نیت دادیم، آخرین خواهش ما این است که زاری نکن، خودت را نشکن، چشم‌پوشی را می‌بوسم، خدا حافظ." و دیگری: "ما در، خاطره‌ام را به تو می‌بهارم. نگذاری دل کوچکش بشکند. وقتی که بزرگ شده‌ا و همه چیز را بگو. بگو که پدرت آدم‌مرگ به یادت بود و کونه‌ات را بر لبان خویش می‌فشارد." و دیگری: "عزیزم، همسرم، خدا حافظ. عشقمان جاویدان است. تا پای دیوار کنار من خواهی بود. غمت را کم کن. معالجات را دنبال کن. سینه‌دردت را می‌گویم. ایران کوجولویمان را آوازها دیده. دایه‌دایه و مرا بیوس را حتماً یادش بده. و جریک بپریه ملک شه زنده‌ی تو چه می‌توانست بگوید جز اینکه: "با زهم می‌گویم بلکه! عشق بزرگترین بیمان است. آینه‌نگان حرف ما را بهتر می‌فهمند." و معلم، آن کارگرسا لخورده‌سرش را همه زنده‌ی تو، چه می‌توانست بگوید جز این که در دست مثل مسیح، وقتی که "بچه‌ها" را می‌بردند پای دیوار مواظب باشند تا کسی سرمان نخورد، تا کسی لبخندی بزند، تا هر کسی اندکی از غم پدرش را با "پیرمرد" خودشان تقسیم کنند.
ایران در عزاست. قلب‌ها و قلب‌ها می‌گریزند و کاغذها و پاپیها در آشک و خون پریری زنند. روز عزای ملی. روزی که از آن همه مردم است: با هر اندیشه و هر عقیده و هر مراسم. رگ‌های زندگی به تیغ ایللیسان زمان گسست و خون‌ها در هم جوشید و همه آمیخت و جویباری شد بگانه، تا نشانه‌مناقی باشد برای همیشه. تا آغا زبانی باشد این عزاهای مکرر را.

عظمت عزای هنوز به تمام می‌نمایان نشده است. کاروان شهیدان هنوز در راه است. هر روز شمار تازه‌ای بران سیه‌ها می‌آید. شناخته شده‌ها افزوده می‌شود. هر یک از زمان‌های سیاسی، هر روز شهیدان تازه‌ای را اعلام می‌کنند. می‌توان گفت از زندگان اسیر که تخریبی است. چه کسانی هنوز از دم تیغ در خیابان بگذشتند؟ هیچ معلوم نیست. سازمان‌های سیاسی و خانواده‌های شهیدان از همه‌جا جدا حجه اطلاع موثقی ندارند. سازمان‌ها و جمعیت‌های سینا لمللی را نیز به زندان‌ها راه نمی‌دهند. بیست درهای بسته فقط کشتار بی‌مان ادامه دارد.
- است چیست؟
- سر موضع هستی؟
- حاضری تسلیم شوی و به ما خدمت کنی؟
- حاضری در تیرباران و اعدام ما یرین شرکت کنی؟

اینها سئوالاتی است که هیات مسئول از طرف خمینی، که به منظور سازماندهی کشتار جمعی شهیدان به زندان‌ها اعزام شده است می‌کند. محاکمه‌ای در کار نیست. صدور قیامی حکم، یا اتمام محکومیت، یا عدم بررسی پرونده مفهومی ندارد. کسی که به پرسش‌های فوق پاسخ‌های مطلوب جملاد جمان را ندهد، بی‌درنگ به مرگ محکوم می‌شود. زندان‌ها را گروه‌گروه، به جوخه‌ها عدا می‌سپارند، یا به دار می‌آویزند. کشتگان را غرق به خون و بی کفن در گورهای جسیعی کم عمق دفن می‌کنند. معمولاً بقچه لباس و پاپی‌ها و احیاناً وصیت‌نامه شهید بدون هر توضیحی به بستگان او داده می‌شود و مواد که بستگان و عزیزان معترض را با زداشت و شکنجه و به مرگ شهید کرده‌اند. بقیه در صفحه ۴

شهادت جانگداز فدائیان قهرمان، رفقا صمد اسلامی عضو کمیته مرکزی، محمد حسن دیانک شوری عضو مشاور کمیته مرکزی، حمید منتظری عضو مشاور کمیته مرکزی، رفیق محمود حسن پور فدایی شهیر و رفیق احمد تقیانی فدایی پاکباز به همراه بیش از ۷۰ تن دیگر از کادرها و اعضای رزمنده و جانباز سازمان

کادرهای خویش را از دست داد. صمد در سال ۱۳۳۳ در خانواده‌ای زحمتکش در یکی از محلات فقیرترین تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۵۲ وارد دانشگاه علم و صنعت گردید. او که از اولین فعالین جنبش دانشجویی تبدیل شد. در سال ۵۴ مسئولیت گروهی از انقلابیون را به عهده داشت. گروه تحت رهبری او که به مطالبه آزارها را رکنیستی و تکثیر دستی و بیخ‌ت آن می‌پرداخت، نقش فعالی در حرکات دانشجویی داشت. گروه توسط صمد مسلح شده بود. بقیه در صفحه ۹

تصمیمات اخیر اینک	ص ۹
شوراهای اسلامی کار باید لغو شوند	ص ۵
محکومیت جنایات رژیم در سازمان ملل	ص ۱۲
در این شماره	
یادنامه رفقای شهید	ص ۳
مصاحبه با رفیق عزیز محمد	ص ۱۰

خطابه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
برای متوقف کردن سیل خون در ایران
فریادرس می‌خواهیم
ص ۶

بخاطر نجات اسیران، بخاطر آزادی
متحد شویم!

فاجعه قتل عام زندان‌ها سیاسی ایران یکی از هولناک‌ترین شهکاری‌های فاشیستی در دوران معاصر است. زندانیانی که هنوز محاکمه نشده‌اند بودند، زندانیانی که مدت‌ها بودند در محکومیتشان سیری شده بود، با زداشت‌شدن آن‌ها که توسط شکارچیان مرگ اسیر شده بودند، زندانیانی که قهرمان دفاع آزادی و منافع مردم و دستار ره مقامت در مسلح‌های دور زیم بودند، همه یساران عزیز که از هر زمان سیاسی می‌شناختیم، همه فرزندان اسیر ایران را از خون‌های شهکارسار قتل عام کردند.
جنایت هولناکی که در زندان‌های کشتور صورت گرفت، در کارنامه‌های انت با این رژیم سیاه‌ترین فصل است. آنچه که در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم، آشکارترین مظالم و شکنجه‌ها به نفع رژیم مردم، با اهداف ترقی‌خواهانه انقلاب بهمن و در یک کلام دشمنی آشفتنی تا پذیرا همه آن چیز است که در عرف ملی و بین‌المللی، حقوق بشر صورت می‌گیرد.

قریباً نیمی از رژیم چه کسانی هستند؟ رهبران، کادرها و اعضای سازمان ما، رهبران و کادرهای برجسته حزب توده ایران، رهبران و کادرهای سازمان فدائیان خلق ایران (پروپوزیته ۱۶ آذر)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه‌کارگر)، نیروهای سازمان چریک‌های فدایی خلق، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان زحمتکش‌ان کردستان ایران (کومله) و از توده‌های سازمان مجاهدین خلق ایران، همچنین تا آنجا که آشکار شده است، عده‌ای از روحانیون و ۳۰ تن از هواخواهان مهدی‌ها شامی نیز در شمار قربانیان جنایت اخیر رژیم خمینی قرار دارند.
بخش اعظم قربانیان رژیم، از بزرگترین نیروهای مدافع اهداف مردمی و ترقی‌خواهانه انقلاب مردم ایران بودند که از موضع توده‌های وسیع مردم در راه تحقق استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در کشور بیکار می‌گردیدند.

این قتل عام فحیح که از ماهیت ضد مردمی و خونخوارانه است، استبداد حاکم سرچشمه می‌گیرد، بر زمین‌های شدیدتفا‌دهای درونی رژیم و وضع بحرانی آن صورت گرفته است. مطالعه وضع سیاسی کشور در ماه‌های پس از قطع جنگ نیز شواهد شگفتی در تائید این حکم به دست می‌دهد.
با اعلام آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح میان دو رژیم ایران و عراق، موضوع با زسی اقتصادی کشور در دستور روز قرار گرفت. بر زمین ضرورت با زسی که بنا به ماهیت خود با منافع گروه‌های اجتماعی بزرگ، و در مقیاس کشور و جهان، خواهان خود را در ارتباط قرار می‌گیرد، تضاد میان جناح‌های حاکم رویه‌رشد گذاشت. جناح رفسنجانی که از حمایت‌های و پشتیبانی پنهان و آشکار خمینی برخوردار است، به‌مساله با زسی اقتصادی کشور از طریق تکیه بر آزادی بیش از پیش فعالیت بخش خصوصی و حضور فعال انحصارات امپریالیستی در حیات اقتصادی بقیه در صفحه ۲

شهادت دکتر سامی بدست تبهکاران
بنا به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی دکتر کاظم سامی، روز چهارشنبه دوم آذرماه در مطبخ خود مورد سوء قصد قرار گرفت. به شدت مجروح شد و در اثر جراحات وارده در روز بعد درگذشت. دکتر سامی رهبر "جاما" (جنبش انقلابی مسلمانان ایران) بود که در مبارزه علیه رژیم شاه شکل گرفت. "جاما که معتقد به استقرار شورا‌های منتخب خلقی بود، در سال‌های اول پس از انقلاب فعال بود. اما فعالیت قانونی آن دیگری نپا شد و همه تندبیکر جمعیت‌ها، سازمان‌ها و اجزای مترقی و آزادیخواه کشور توسط رژیم آزادی کش خمینی غیر قانونی گردید. دکتر سامی در سال‌های اخیر، فعالیت سیاسی‌اش را عمدتاً در رابطه با نهضت آزادی ادامه داد. او از جمله افرادی بود بقیه در صفحه ۲

چهلمین سالروز انتشار منشور حقوق بشر

۱۵ دسامبر (۱۹ آذر) سال، چهلمین سالروز انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر است. چهل سال پیش در سال ۱۹۴۸ که بشریت تازه از جبهه جنگ جهانگیر دور رها بی یافتن بود، سازمان ملل کمیته‌ای را مامور کرد که دربار رعایت حقوق بشر، قوا عدلی را وضع کند. ششاد کمیسیون به بیانیه حقوق بشر و قرارداد های بین المللی معین آنجا مید. بیانیه مشتمل بر اصول ناظر بر حقوق بشر است و قراردادها مشتمل بر مقرراتی است که رعایت آن توسط دولت‌ها الزامی است. بیانیه توسط کشورهای جهان پذیرفته شده است. قراردادها را اغلب کشورها امضا کرده‌اند. قراردادها عرصه‌های مختلف زندگی بشر را دربر میگیرد. ما در این شماره دو قرارداد مهم را جهت اطلاع چاپ می‌کنیم. در اولین فرصت متن کامل بیانیه و قراردادها را انتشار خواهیم داد.

این دو قرارداد، یعنی قرارداد بین المللی حقوقی تقاضای، اجتماعی و فرهنگی، و قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، برای همه مردم، حق خودمختاری، حق تعیین وضعیت سیاسی خود و حق استفاده از ذخایر طبیعی خویش را تضمین می‌کنند. اندیشه "حقوق بشر" نقش مرکزی را در منشور ملل متحد ایفا می‌کند.

قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی

مواد قرارداد بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی که توسط دولت‌ها در سال ۱۹۶۶ پذیرفته شده است، عبارتند از:

- حق کار، تربیت فنی و حرفه‌ای
- حق شرایط کار مناسبانه و مطلوب
- حق ایجا دوا رتباط سندیکا های حرفه‌ای و دیگر حقوق سندیکایی
- حق امنیت اجتماعی
- حق محافظت از خانواده، مادران و کودکان
- حق زندگی با استاندارد مناسب
- حق سلامتی جسمی و روحی
- حق آموزش
- حق شرکت در حیات ادبی

مواد قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

موارد زیر از حقوق بشر در کنوانسیون بین المللی ۱۹۶۶ برای حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است:

- منع شکنجه و قسوت، رفتار یا تنبیه غیر انسانی و تحقیر آمیز
- منع بردگی، خدمت یا کار اجباری
- حق آزادی و امنیت شخصی، محافظت در مقابل دستگیری یا بازداشت خودسرانه
- حق اشخاص متهم و مجرم به داشتن رفتار انسانی با او
- منع توقیف به دلیل عدم توانایی انجام الزامات قراردادی
- آزادی حرکت (تغییر مکان، مسافرت)
- محافظت در مقابل اخراج اجباری
- مساوی در مقابل دادگاه‌ها و محکمه‌ها
- حق داشتن یک داور علمی و منصفانه در دایره دادگاه صلاحیت دار، پذیرش بی‌گناهی تا زمان اثبات جرم
- منع عطف به ما سبق کردن قانون جنایی
- حق محافظت از حریم خانواده، خانه و مکاتبات
- حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب
- حق داشتن نظر فارغ از تضییق رفتار
- منع تبلیغ جنگ، دشمنی ملی، نژادی و مذهبی
- شناسایی حق ایجا دمجام صلح آمیز
- حق تشکیل از جمله تشکیل اتحادیه و سندیکا ها
- حمایت از خانواده، حق ازدواج
- حقوق کودکان
- حق شرکت در امور عمومی، اتخاذ تصمیمات سیاسی و داشتن دسترسی به خدمات عمومی

فرزند مبارز خلق

محمدحسین دیانک شوری (منصور) از میان خانواده ای زحمتکش برآمده بود. زندگی خانوادگی او در میانه فقر و محرومیت بود. نخستین مکتب او برابری مبارزه انقلابی بود. منصور با یک کوله بار غنی از تجارب زندگی در میان مردم، با به میدان مبارزه نهاد. خلق، عادات و رفتارهای کهنه در آن سال‌ها کسب کرده بود، عامل موفقیت بسیار جدی او در زندگی با زحمتکشان بود. علاوه بر این زیرکی و استعداد در جستجوی راه‌های کوتاه و سریع در زمان استوار جنبش انقلابی ایران در آن زمان، در آورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱۵ سال حبس محکوم شد. اما سال‌ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کشف نکرد. سپس از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل داد و قدرتمند بود را بنیان نهاد و هدایت کرد. اعلامیه‌ها و جزوه‌های این گروه به نقاط شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه می‌پوشاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در هیئت مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد در جستجوی راه‌های کوتاه و سریع در زمان استوار جنبش انقلابی ایران در آن زمان، در آورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱۵ سال حبس محکوم شد. اما سال‌ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کشف نکرد. سپس از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل داد و قدرتمند بود را بنیان نهاد و هدایت کرد. اعلامیه‌ها و جزوه‌های این گروه به نقاط شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه می‌پوشاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در هیئت مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد در جستجوی راه‌های کوتاه و سریع در زمان استوار جنبش انقلابی ایران در آن زمان، در آورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱۵ سال حبس محکوم شد. اما سال‌ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کشف نکرد. سپس از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل داد و قدرتمند بود را بنیان نهاد و هدایت کرد. اعلامیه‌ها و جزوه‌های این گروه به نقاط شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه می‌پوشاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در هیئت مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد در جستجوی راه‌های کوتاه و سریع در زمان استوار جنبش انقلابی ایران در آن زمان، در آورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاه ای دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۱۵ سال حبس محکوم شد. اما سال‌ها که هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کشف نکرد. سپس از آزادی زندان در سال ۶۶، بلافاصله گروهی هوادار سازمان کیهان را تشکیل داد و قدرتمند بود را بنیان نهاد و هدایت کرد. اعلامیه‌ها و جزوه‌های این گروه به نقاط شمالی کشور، بلکه حتی تهران راه می‌پوشاند.

شهادت رفیق محمود رضا یک بندی

در باستان، تروریست‌های مسلح رژیم خمینی، یک ایرانی هوادار سازمان را که در تظاهرات علیه کشتار زندانیان سیاسی شرکت داشت به قتل رساندند.

روز دوشنبه، ۵ دسامبر، به خاطر اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی، از طرف فداییان خلق تظاهراتی در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در کراچی انجام گرفت. این تظاهرات که از ساعت ۱۰ آغاز شده بود، در ساعت یک بعد از ظهر مورد حمله گروهی از تروریست‌های رژیم حاکم بر ایران قرار گرفت. تروریست‌های حزب الهی سوار بر ماشین‌های خود به سمت تجمع کنندگان حمله کرده و با کلت به سمت تظاهر کنندگان تیراندازی کردند. در پی این جنایت، یک نفر سوار هوادار سازمان به نام محمود رضا یک بندی بر اثر اصابت گلوله بر سرش فوراً کشته شد و ۵ تن دیگر نیز زخمی شدند.

رفیق محمود رضا یک بندی متولد سال ۱۳۳۴ و اهل آبادان بود. وی که به دلیل شرایط تروریستی اختناق مجبور به ترک میهن خود شده بود، به خاطر اعتراض نسبت به کشتار زندانیان سیاسی در ایران قربانی تروریسم فاسد رژیم خمینی گردید. یاد رفیق گرامی باد.

شهید محمود حسن پور اصل رزمنده شهیر راه آزادی ۹ بهروزی مردم

محمود جوان ترین فرزند پسر در خانواده حسن پور بود. فرزندان رشیدی که از این خانواده دهقان در روستای شیرجه پشت لاهیجان برخاسته‌اند تا ما این خانواده را در تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران جاودانه کرده‌اند.

۱۹ ساله بود و در خدمت وظیفه که به دنبال جریان سپاه هکل و دستگیری برادرش غفور (ابریج) حسن پور (که از رهبران و بنیانگذاران اندیشمند و برجسته‌ها زمان چریک‌های فدایی خلق ایران بود)، دستگیر و روانه شکنجه‌گاه شد. محمود، علیرغم جوانی، با استواری بی‌همتای دوران دشوار با زنجیری را پشت سر نهاد و در زندان رژیم به ۵ سال حبس محکوم شد. پس از حوادث تیرماه ۵۲، از زندان سپاه تهران، به زندان بروجرود تبعید شد. دوره‌های دشوار رتبه‌ای، را با شوق آنکه برادرش مصطفی و تنها خواهرشان فاطمه، در صفوف سازمان می‌رزمنده، سر می‌گردد، با سرزبان محکومیت، ساواک او را آزاد نکرد. در زندان بود که برای شناسایی اجساد برادر و خواهر قهرمانش فراخوانده شد. محمود استوار و دلورابین سال‌ها، این دردها را تحمل کرد. در آستانه انقلاب از زندان شاه آزاد شد. با آن تهور بی‌همتایی که داشت، در قیام ۲۲ بهمن قهرمانی‌ها کرد و در فتح با دکان جنبش با سواد عباس‌آباد و زندان اوین دلوری‌ها از خود نشان داد. بلافاصله پس از انقلاب به ترکمن صحرا رفت و با شوق و قدرتی بی‌ظن در دفاع از زحمتکشان ترکمن پرداخت. باستان ۵۸ به خوزستان اعزام شد و با آخرین در زمستان ۵۸ به سرزمین زادگاهش کیلان رفت تا فعالیت سازمانی را در آن منطقه ادامه دهد.

همه آنهایی که محمود حسن پور را می‌شناختند، می‌دانند که از جهاد دلوری و سرخس بی‌بهره مندی بود. همزمانش در تشکیلات جنگ‌ها و راه‌نمایی که یک رفیق بسیار زودبید و دل‌سوز در همه امور زندگی خویش می‌دانستند، محمود در این سالها در کارگاه‌های مختلف، کارگری می‌کرد و حرفه‌های گوناگون می‌آموخت.

رفیق محمود پس از ضربات ۶۲ به دلایل کوناگون در ارتباط منظم با تشکیلات مخفی سازمان قرار گرفت. اما بیسی خونخوار رژیم او را در سال ۶۶ دستگیر کرد و همراه با یاران دیرینه‌اش، به کماپی کمال‌ها یکدیگر در زندان‌های شاه رزمیده بودند. تیرباران کرد.

فدایی شهید احمد تقیانی فرزند پیکارجوی خلق

رفیق احمد تقیانی از مبارزین بسیار با سابقه جنبش است. مبارزه را از نوجوانی بسیار با روحیه و همراه با دلوران آرمان خلق آغازید و در دانشگاه تهران همراه با عده‌ای از اعضای سازمان کار را پی گرفت. در پی دستگیری عده‌ای از اعضا گروه، رفیق احمد نیز دستگیر شد و تحت بازجویی و شکنجه قرار گرفت. با سر بلندی و افتخار بازجویی را پشت سر گذاشت و در سپیده‌گاه رزمی‌ها به ده سال حبس محکوم شد. همه‌کس می‌دانند که در زندان‌های رژیم شاه رفیق احمد را دیده بودند، از او به‌مثابه چهره‌ای شریف، مردم‌دوست، متواضع و مبارز یاد می‌کنند.

با انقلاب بهمن، رفیق احمد از زندان آزاد شد و بلافاصله فعالیت در صفوف سازمان را از سر گرفت. اینها نخست انقلاب را در خوزستان و در میمان کارگران نفت فعالیت می‌کرد. رفیق در مقام مسئولیت مردم‌با‌دان و خرمشهر علیه تجاوزگران رژیم‌مستدام حسین مشارکت جدی داشت و با شجاعت بی‌ظن در این روزهای دشوار در کنار مردم این دوشهر جنگید. پس از امضا حضور در کنگره‌های جنگ و تخلیه آبادان، محل فعالیت سازمانی‌اش به تهران منتقل شد. بلافاصله پس از انتقال به تهران در دستگاه رهبری سازمان جوانان شروع به کار کرد و مسئولیت شعبه کارگران جوان را در رهبری سازمان جوانان پیشگام ایران بر عهده گرفت. قلم‌نویان پیش در خدمت شریات سازمان (نبرد دانش آموز، ویژه جوانان در نشریه کار، بولتن با جوانان و نوجوانان) نیز بود.

در باستان ۶۳، رفیق احمد که در تشکیلات سازمان فداییان در تهران به فعالیت انقلابی ادامه می‌داد، توسط مزدوران رژیم دستگیر و به زیر شکنجه کشیده شد. رفیق احمد را پس از چهار سال زندان، در کشتار عام زندانیان سیاسی در باستان ۶۷ تیرباران کردند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
مهاجرین
باید آزادانه به کشور بازگردند
پیگرد و سرکوب سازمانهای سیاسی باید قطع شود



نامه به دبیر اول حزب اتحاد شوروی
پیرامون

فجایع اخیر ایران

جنایت هولناکی در کشور ما رخ داده است . جنایتی که تنها با جنایات فاشیست های هیتلری و اردوگاه های مرگ آن قابل مقایسه است . شما اطلاع دارید که طی ماه های اخیر صدها و صدها زندانی سیاسی ، بسیاری از شخصیت های نامدار سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی کشور ما ، بسیاری از رهبران احزاب مترقی ایران ، به دستور سراسر جمهوری اسلامی در زندان ها به طور دسته جمعی کشتار شدند و در گورهای دسته جمعی دفن شده اند . در بسیاری از زندان ها شما زندانیان را یک جا بنا بسود کرده اند . در تمام طول تاریخ معاصر ایران تا کنون چنین قساوتی هرگز وجود نداشته است . طی این کشتار جمعی علاوه بر دهها فدایی خلق ایران ، تقریباً

ایران این بوده و هست که در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر تریبون های بین المللی ، خبروهای ترقی خواه جهان برچم دفاع راستین از حقوق بشر را به دست گیرند و نقش خشن این حقوق را در ایران محکوم کنند . رژیم ایران که مصیبت ۸ سال ادا به جنگ خانها نوزاد قیمت جان قریب به یک میلیون انسان به خلق ایران تحمیل کرد ، اما در پایان کار در برابر ارا در صلح خواها نه مردم مجبور به تسلیم شد ، امروز بهترین فرزندان آزاد و قهرمان میهن ما را آماج کین خواهی خود قرار داده است . رژیم مام ایران روی تمام خلق ایران تیغ کشیده است . وجدان بشری نمی تواند ندومبا دهکچین جنایتی را تحمل کند . بگذارد ای اعتراضی شما علیه این جنایت وجدان بشریت را با زهم بیدار تر کند . اعلام همبستگی کمونیست های اتحاد شوروی با

تعدادی اعضای رهبری و بسیاری از کارکنان حزب توده ایران که از ۵ سال پیش در بازداشت و زیر شکنجه بوده اند ، اعدام شده اند . فعلا کین سایبر نیروهای چپ نیز طی بوش های اخیر به زندان ها به طور دسته جمعی و همراهِ دیگران کشتار شده اند . اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران که خود یک جریان اسلامی است ، ششما فرقی از قربانیان این جنایتند ، آنها هم ششما مجویا نه بخود عداً اعدا مسپرده شده اند . رژیم ابعاد جنایت را به جایی رسانیده که حتی آن دسته از طرفداران جمهوری اسلامی که بسیار برخی سیاست های خاکم مخالفند ، نیز کشتار می شوند . در هفته های اخیر گروه بزرگی از روحانیون طرفدار آیت الله منتظری در همین رابطه اعدام شده اند . رفیق عزیز!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه اعضا و هواداران سازمان ما و تمام مردم صلح دوست و آزادی خواه ایران از شخص شما ، از حزب برادر ، حزب کمونیست اتحاد شوروی انتظار دارند که در برابر این جنایت هولناک ساکت ننشینند . مردم ایران از شما و از هر کسی که از صلح و ترقی طرفداری می کند ، می خواهد که کشتار زندانیان سیاسی را قاطعانه محکوم کنند . باشد که سفر آئینده شما در سازمان ملل متحد مواضعی را تقویت کند که رعایت حقوق بشر به ویژه در ایران را طلب می کند . آنگاه منتظر مرسد م قرار دارند .

از سازمان فدائیان خلق ایران (پیروسیا نیه ۱۶ آذر) ، در انتها چو نوبین رژیم کارها و اعضا بسیاری شهید شدند . رفقا حسین صدرا بی ، علی صدرا بی ، سهراب ملطقی ، محبتی محسنی ، منوچهر سر سرحدی ، زین لقا بدین کاظمی ، اسفندیاریک منشی و هیبت الله معینی چا غرودن رهبر سازمان و قهرمان بزرگ مقاومت در زندان های دور رژیم ، در زمره شهیدان یاند . رفیق هیبت الله معینی از قدیمی ترین فدائیان خلق و یکی از برجسته ترین و ثابت قدم ترین مبارزین راه آزادی و بهر روزی مردم ایران بسود . همزمان و همزنجیران به ایادامی ورنده سیاسی نجیب اورا ، که امیز میروصمیمیت و اعتقاد دیود ، و تبسیسم نواز شکر روز مزه همبستگی اش را :

برای بشریت بسی درد آور است که در چهل و بیست سالگرد مدوریا نیه حقوق بشر ، بشروهمه حقوق بشر در ایران خونبارا بیگونه تحقیر شوند . کابوس خوف انگیز ایران با بدبشریت را بیش از آن بیدار کند که تنها به صدور تقصیر نامه های بی چند علیه قتل عام های اخیر ارضای شود . ما ، همسایه سازمان های میهن پرست ایران ، اعلام می کنیم مصیبتی همچون یک زمین لرزه مدعی ویا انفجار مهیب سرکشورمان فرود آمده است ، آواردارا روتیر و تیغ بر سر مردم ما فرود آمده است . کجا بنشیند آن بشردستان و مدافعان حقوق بشر؟ کجا بنشیند همه منتظروهای بشری و دولت های مدافع حقوق بشر؟ کجا بنشیند همه نیروهای که به خاطر اصول و اصولها و لخوا لساها ، به با طرم مفقود شدن فلان سرمایه دار آمریکایی در لبنان و یا با زداشت فلان ماسور انگلیسی در ایران ، حقوق بشر را از هزار گوشه عالم سر می دهند و همه "هرم های فضا را برای دفاع از انسانیت" به کار می نندازند؟ آیا نه این است که قتل عام نیروهای انقلابی و دمکرات در ایران از سوی برخی از این مدافعین حقوق بشر آگاهانه و سوداگرانها سکوت و یا حد اکثر بهیسا زست های دروغین بشردوستانه" همرا دیوده است . آیا نه این است که بسیاری از این دولت های مدافع حقوق بشر به وقیحا نه ترین شکلی در برابر فاجعه ایران بنده کوشش فرورکودند . فاجعه ایران معیار سترک برای سنجش تک تک مدافعین عدالت و حقوق بشر است . همه بازی های پلیدیسیای و همه واقعیت ادا ه های بشردوستانه در اینجا خود را محک می زنند . مردم ما با نفرت بسیار دولت ها و دنیا دهایی را که آنرا حقوق بشر را بزجه سوداگریها سیاست بازی های حقو قیاری دهند و از همین رودر برابر برنده ترین نمودار نقض حقوق بشردوستانه پس از جنگ دوم چین سکوت کرده یا سردر لاک خود فرومی برند ، محکوم می کنند ، مردم ایران هرگز سوداگری باخسوسون فرزندانش را فراموش نخواهد کرد . مردم ایران البته نیک می دانند که تنها نیستند و وجدان های بیدار بسیارند . مردم ایران از این وجدان های بیدار ، از کمونیست ها ، دمکرات ها ، سوسیال دمکرات ها ، ترقی خواهان ، صلح دوستان ، سبزها و همه مدافعین حقوق بشری می خواهند . مردم ایران ار همه دولت ها و نیروهای که خود را به حقوق بشر پای بند می دانند و از حقوق بشر حمایت می کنند ، درخواست می کنند در برابر این فاجعه بشری ساکت ننشینند و نیک بدانند که تنها صدور تقصیر نامه و اظهار توبیخ لغت های رسمی معمول مانع گشوده شدن رگ های سرخ سبزترین فرزندان این کشور نخواهد شد . آنگاه مدافع حقوق بشرانند ، با بیداری این لحظه دشورا و جاکند که تاریخ کشور ما با همه امکانات ، ایرانیا را یاری دهند و از ریختن خون فرزندان بیرونده کشور ما جلوگیری کنند . مردم ما خواستار اقدام فوری هستند .

قرار دارند . از سازمان فدائیان خلق ایران (پیروسیا نیه ۱۶ آذر) ، در انتها چو نوبین رژیم کارها و اعضا بسیاری شهید شدند . رفقا حسین صدرا بی ، علی صدرا بی ، سهراب ملطقی ، محبتی محسنی ، منوچهر سر سرحدی ، زین لقا بدین کاظمی ، اسفندیاریک منشی و هیبت الله معینی چا غرودن رهبر سازمان و قهرمان بزرگ مقاومت در زندان های دور رژیم ، در زمره شهیدان یاند . رفیق هیبت الله معینی از قدیمی ترین فدائیان خلق و یکی از برجسته ترین و ثابت قدم ترین مبارزین راه آزادی و بهر روزی مردم ایران بسود . همزمان و همزنجیران به ایادامی ورنده سیاسی نجیب اورا ، که امیز میروصمیمیت و اعتقاد دیود ، و تبسیسم نواز شکر روز مزه همبستگی اش را :

از قدیمی با سرفراشته با بدبزرگ و سرفراشته با بدبزرگ و انید در ره خلق همه هستی خویش بی تنها دور خلق ، همه هستی خویش . وهستی او ، همچون هستی گرما بخش انوش روضی و نیک آئین و مینرا و دهها و مددگاران و رفروان این شهیدان ، بیایند است ، و مرگ را برستیع سوادان راهی نیست . و با زهم از فدائیان خلق ، از نیروهای سازمان جریک های فدایی خلق (قلبیت) ، و رفقا علی بهکیش ، حمید طاهری ، شهریار آری ، مجید ابرانی ، عبدالعظیم بربری و بسیاری دیگر به خون غلظیدند . از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) رفقای مبارز علی رضا تنبیه ، رزمنده پیرا بیکه و از بنیانگذاران راه کارگر ، لهراسب صلواتی ، رحیم حسن پوروردی ، جعفر ریاحی ، محمد ریاحی ، عطاء معینی و بسیاری دیگر شهید شدند . طی سال های اخیر گروه زیادی از کارکنان برجسته راه کارگر که از زندانیان مبارزین سرشناس دوران رژیم شاه بودند ، در دهنده نه به شش دست رسیدند . آنها در سردار رژیم خمینی ایثارگری بسیار کردند و یادواره جانان دره آلمان های مردمی سپردند . سازمان مجاهدین خلق ایران ، در انتها چا خیر رژیم ، بسیاری از زندگان و کارکنان خود را که دلبرانه با رژیم خمینی بیگانه کردند ، از دست داد . رژیم خوددهای رحمانه مجاهدین مبارزان تنها در زندان ها بلکه در میدان ها و کوچوهای شهرها خلق آویزی می کنند و با انتقامجویی گور و دهنده نه حکم مرگ همرا دهی را برایشا پیشا امفا کرده است . حزب دمکرات گردستان ایران آماج دیگر کتل عام های اخیر بوده است . چندین تن از اعضا و کارکنان دلیبر حزب دمکرات در بوش اخیر شهید شدند .

از حزب دمکرات گردستان (رهبری انقلابی) ، طی ماه های اخیر چندین تن از رهبران ، کارکنان ، اعضا ، رزمنده به شش دست رسیدند . سازمان زحمتکاران گردستان ایران (کومله) نیزینما شما رهبری از شهیدان خود را اعلام کرده است . مبارزین کرد ، وابسته به حزب دمکرات گردستان ، حزب دمکرات گردستان (رهبری انقلابی) و کومله در هر کجا که دست رژیم رسید بیامان به خسون کشیده شدند . بسیاری از مبارزین سرشناس و زندانیان قدیمی ، کسانی چون رفیق محمد علی برنوی ، علیرضا زمردیان ، منصور موسوی و کمال مدرزاده در زمره شهیدان اخیرند . برای شناسایی همه شهیدان و تکمیل نام نامه به خون خفتگان هنوز زمان لازم است . درهای چندم بسته و دوزخبانان همچنان در کارند . زندان کمک می طلبد . زندان از جنبش ، جنبش از مردم و مردم ایران از همه جهان بیا کمک می خواهند .

از حزب دمکرات گردستان (رهبری انقلابی) ، طی ماه های اخیر چندین تن از رهبران ، کارکنان ، اعضا ، رزمنده به شش دست رسیدند . سازمان زحمتکاران گردستان ایران (کومله) نیزینما شما رهبری از شهیدان خود را اعلام کرده است . مبارزین کرد ، وابسته به حزب دمکرات گردستان ، حزب دمکرات گردستان (رهبری انقلابی) و کومله در هر کجا که دست رژیم رسید بیامان به خسون کشیده شدند . بسیاری از مبارزین سرشناس و زندانیان قدیمی ، کسانی چون رفیق محمد علی برنوی ، علیرضا زمردیان ، منصور موسوی و کمال مدرزاده در زمره شهیدان اخیرند . برای شناسایی همه شهیدان و تکمیل نام نامه به خون خفتگان هنوز زمان لازم است . درهای چندم بسته و دوزخبانان همچنان در کارند . زندان کمک می طلبد . زندان از جنبش ، جنبش از مردم و مردم ایران از همه جهان بیا کمک می خواهند .

ایران آرزو منخوا هدشت ، خشم و نفرت متلاطم مردم در جام جادوی دزخیمان حاکم جای نخواهد گرفت . ما را می کشند ، اما بسیاریم و شهیدان بسیار نیز همرا ه ما . ایران زخمی برمی خیزد و از اعناق نا جعبه تیغ به سوی بیاهر می کشاید . آینه سدها از آن ما است ، و پرستوی میا جراینگ کوچ را منتظر است . کوچ ما منتظر است ، پس هر بیخسره ای جنگجویی منتظر است . پس چشمان درخشان وطن انقلاب دگسری منتظر است

ایران آرزو منخوا هدشت ، خشم و نفرت متلاطم مردم در جام جادوی دزخیمان حاکم جای نخواهد گرفت . ما را می کشند ، اما بسیاریم و شهیدان بسیار نیز همرا ه ما . ایران زخمی برمی خیزد و از اعناق نا جعبه تیغ به سوی بیاهر می کشاید . آینه سدها از آن ما است ، و پرستوی میا جراینگ کوچ را منتظر است . کوچ ما منتظر است ، پس هر بیخسره ای جنگجویی منتظر است . پس چشمان درخشان وطن انقلاب دگسری منتظر است

خطابه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای متوقف کردن سیل خون در ایران، فریاد درس می خواهیم

تا اول دیماه ۴۳۸ قربانی فاجعه کشتار زندانیان سیاسی شناسایی شده‌اند

امروز اول دیماه ۱۳۶۷ (۲۲ دسامبر ۱۹۸۸)، خطابه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مورد فاجعه کشتار رنجبران و هکسانسی زندانیان سیاسی ایران انتشار یافت. به ضمیمه این خطابه، ۴۱۱ نفر از زندانیانی که خورشید دلت آنها اعلام شده است، انتشار یافته است. هدف از انتشار این خطابه، مطلع کردن جهانیان از اوضاع جنایت هولناک رژیم، تشدید اعتراض علیه آن و تشدید فشار بین‌المللی برای توقف موج اعدام‌هاست. کمیته مرکزی این خطابه را برای رهبران احزاب کمونیست، احزاب کارگری، همه محافل ترقی خواه، خطاب به سران کشورهای سازمان همکاری بین‌المللی، برای معامدافع حقوق بشر و خطاب به همه خبرگزاری‌ها و رسانه‌های گروهی در کشورهای مختلف ارسال داشته و نیز از تمام اعضا و هواداران سازمان در کشورهای مختلف خواسته است که ترجمه خطابه و اسامی ضمیمه را به زبان محلی و وسیعاً انتشار داده، به ویژه در اسرع وقت آن را به نام شخصیت‌های یادشده در فوق ارسال دارند.

به ...

محترما:

اکنون یک ماه پس از انتشار اولین خبرها در باره سیل اعدام و کشتار دسته جمعی بدون محاکمه و جنون آمیز زندانیان سیاسی ایران، با عداقت‌آمیزی که بر مردم ایران رفته است و با منتهجنانیت هولناک سران رژیم به تدریج بر ملایم شود، روزی نیست که تا مدتهاست از قربانیان این جنایت کثیف بر ملا نشود. امروز، ۲۲ دسامبر، اسامی قربانیان این جنایت که تاکنون شناسایی شده اند ۴۱۱ نفر بالغ شده است. این لیست ناقص است و همواره چیزهایی از آن است که در فوق اسامی اعدام‌ها قطعا چندین برابر است. سران جنایتکار رژیم سیل خون به راه انداخته‌اند. نسامین و هوسایی دگراندیش را قتل عام می کنند. حتی عسدهای از وابستگی خود رژیم‌بیزیم که با برخی سیاست‌های باند حاکم مخالف بوده اند نیز اعدام شده‌اند. هیچ گروه و حزب سیاسی مخالف رژیم ایران نیست که نسبت به شهادت‌شنی خود رژیم‌بیزیم اعدا شدگان اخیر را بشناسد. در میان قتل عام‌شدگان که تاکنون توسط منابع سازمان ما شناسایی شده‌اند، نام توده‌های هکسانسی فداییان و مجاهدین پیش از دیگران به چشم می‌خورد. از شکست فاش شیم تا امروز چنین جنایتی با چنین ابعاد هولناک در هیچ کشوری سابقه نداشته است.

فرمان قتل عام زندانیان به دستور شخصی خصیمی صادر شده است و توسط یک هیأت سه نفره از جانب وی به اجرا گذاشته شده است. این هیأت در فاصله ماه و نیم تا ماه دسامبر ۱۹۸۸ فریبگان قتل هزاران زندانی سیاسی را صادر کرده است. از هر زندانی پرسیده می‌شود: با زمانت را قبول داری یا نه؟ حاضر نیما بزخونی یا نه؟ همکاری می‌کنی یا نه؟ در اعدام افراد هم گروهت شرکت می‌کنی یا نه؟ کسانی که جواب منفی داده اند تاکنون کشته شده اند یا در آینه کشته می‌شوند. در بیسیاری از زندانیان هم شربت نجات می‌تقریباً تمام زندانیان را یک با یک قتل عام کرده‌اند. در اوایل وسط ماه نوامبر زندانیان یک بند را در یک اتاق جمع کرده و آن را متفجر کرده‌اند. اعدا شدگان در گروه‌های دسته جمعی که با بولدوزر خرمی شوند، بدون کفن و دفن بی نام و نشان در جال می‌شوند، اما اعدام‌ها پنهانی انجام شده و حتی اجازه وصیت و آرزوی پسران دیده‌اند. ربا عزیزان نیز زنده نشده‌اند. خانواده‌های شهدا تهدید شده اند که در صورت برگزاری مراسم یادبود، آماج انتقام جویی قرار خواهند گرفت.

در این جنایت هولناک دهها تن از مفاخر بزرگ ملی ایران، رهبران جنبش ترقی عمود ایران، مبارزان پر سابقه ای که دهها سال از عمر خود را در زندان‌های شاه و خمینی در دفاع از صلح، دموکراسی و استقلال کشور سپری کرده‌اند، بسیاری از فاحشان شکنجه‌ها بی دروژیم، از زهرمان‌نسیان و مقاموت، قتل عام شده‌اند. در این کشتارنا مداران ادب و فرهنگ، شخصیت‌های سرجسته علمی و هنری، زنان و مردانی که کارنامه‌شان ما به افتخار و خلق ایران با نند، طعمه کینه‌خندان حاکم کشته شده است.

- ۱- یوسف آخوند (راه کارگر)
- ۲- گل علی نیک (حزب توده ایران)
- ۳- حسن افروز (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۴- کیان افروزی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۵- اصفرازاده (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶- حضرت الله (امیر) (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷- مهر انگیز کاک (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸- سیاوش آقاچیان زاده
- ۹- مختار آوی هنگ (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۰- مرطبه آیت الله زاده میرزایی (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۱۱- امجد ابراهیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲- سرگون ابراهیمی
- ۱۳- مهت ابراهیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۴- محمدهی ابراهیمی
- ۱۵- میرزا الله ابراهیمی گوردوزی
- ۱۶- رحیم ابراهیمی (اعدام شده در زندان ارومیه)

رژیم در این کشتار کوشیده است این سرمایه‌های بزرگ معنوی مردم ایران را به ناسودی کشد. اما آثار فرهنگی، علمی و اجتماعی گرانمایگانی چون نیک آتین‌ها، جوان‌شیرها، پورهرمان‌ها و آگاهی‌ها جاودانه خواهند ماند. رژیم در این کشتار کوشیده است روحیه مقاومت را در میان اسیران و در بین مردم در هم شکند. اما حماسه مقاومت صمیمی اسلامی‌ها، با فرزاده‌ها، همایون‌ها، محمدعلی برنوی‌ها، تشیدها، خطبها و دیگران و دیگران و ختم‌گویی انبوه جمعیت بر مزار اوردرخانه شهیدان، اوج گیری نفرت تمام مردم ایران از جنایت‌ها و رژیم و تشدید اعتراض مردم دنیا علیه کشتارها، نشانه شکست رژیم در شکستن روحیه مردم است.

رژیم جمهوری اسلامی که مدت ۸ سال با ادامه جنگ جان بیش از یک میلیون انسان را قربانی می‌کند اهداف ارتجاعی خودگرد، پس از شکست در جنگ به انتقام جویی از صلح‌جویان و آزادخواهان روی آورده است. رژیم که این همه جنایت کرده است، رژیم که همه مخالفان سیاسی خود را نابود می‌کند، رژیم که در آن هیچ نیروی مخالفی حق فعالیت ندارد، رژیم که حتی اطرافیان منتقد خود را نیز بدین دسته اعدا می‌کند، مورد تنفر مردم ایران است. جنایات این رژیم با این ندادارند. مردم کشور ما به ویژه فرزندان ما با ندادارند. از زندانیان سیاسی، اجتماعی و آزادی‌های کبری انسان احترام قابل است، قربانی طلبند.

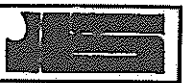
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نام صرف و انسانیت، همراه با تمام زندانیان و شهیدان، همداستان تمام مردم ایران که بر این سرکوب این رژیم تکیه‌کارا تحمل می‌کنند، از شما انتظار داریم که این جنایات هولناک را صریحا و قاطعا محکوم کنید. ما از شما می‌خواهیم و انتظار داریم از شما این فاجعه ملی که در کشور ما رخ داده است، مردم کشور خود را مطلع سازید. وحشی‌گری‌ها و خون‌ریزی‌ها رژیم اسلامی را در شرایط و در رسانه‌های گروهی کشورتسلا با زتاب دهید. با هر امکانی که در دست دارید، دست جلادان رژیم را از اذیت‌کنندگان زندانیان سیاسی کوتاه کنید. بگذار تا منشریت بداند که کسانیکه راستی مدافع حقوق بشرند و چه کسانی برجم دروغین حقوق بشر را برافراشته‌اند. بگذار منشریت بداند حتی سرزنده ما نند. با هر امکانی که در دست دارید، با بی‌امال شده است. با شکاکا اعتراض قاطع علیه این جنایات فجیعی که در کشور ما شما می‌گذرد، موج کشتار باقی ماندگان در زندان‌های سیاسی ایران را متوقف سازد. بگذار مردم جنگ زده و ستم‌کشیده ایران در بیابان‌های سخته، جهان دست‌یاری و همدردی به سوی انسان دراز می‌کنند.

با این امید که با تک اعتراض شما علیه موج اعدام‌ها در ایران، جان باقی‌مانده زندانیان بی دفاع را از مرگ برهانند

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۲ دسامبر ۱۹۸۸

- ۱۷- محمد احمد ژواد (اعدام شده در زندان سنقر)
- ۱۸- افرح احمدی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۹- جمیل احمدی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۰- پیروز احمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۱- احمد درسیان (حزب توده ایران)
- ۲۲- سرویس‌دایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۳- قلامر خادادی (حزب توده ایران)
- ۲۴- خسرو ادبی
- ۲۵- علیرضا اسکندری شاهپور (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۶- جمال اسکندری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۲۷- صدق اسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۸- مرتضی اسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۲۹- اسماعیلی (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۳۰- حکمت اسماعیل (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۳۱- اسدالله اسدی
- ۳۲- فاطمه اغریانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)

- ۳۳- سرنگ ابوالقاسم انزلی (حزب توده ایران)
- ۳۴- سعید انصاری (سازمان مجاهدین خلق ایران)
- ۳۵- دکتر محمد حسین اکبر زاده یوسفی
- ۳۶- کسری اکبری کردستانی (حزب توده ایران)
- ۳۷- محمود اکبری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۳۸- رضا اکرمی
- ۳۹- اقبال فرزندان سوور (اعدام شده در زندان سنقر)
- ۴۰- ناصر الماسیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۱- سیامک الماسیان (سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران اقلیت)
- ۴۲- حمزه الماسی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۳- پرویز المی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۴۴- سعید امامی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۴۵- قلامر طاویسی (حزب توده ایران)
- ۴۶- مصطفی ایژدی
- ۴۷- ناصر ایلهانی (حزب توده ایران)
- ۴۸- مجید ایوانی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
- ۴۹- جمشید بابایی
- ۵۰- تیمور بابایی
- ۵۱- بازرگان (حزب توده ایران)
- ۵۲- بهمن باقرزاده (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۵۳- ابوتراب باقرزاده (حزب توده ایران)
- ۵۴- عبدالعظیم باقری
- ۵۵- اصحاب‌بانی چنگا
- ۵۶- صلاح پور تیر (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۵۷- بهت آبادی
- ۵۸- ناصر بدری
- ۵۹- حبیب پور آرا (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۰- معصوم درنیمیان (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۱- کامران یوسفی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۲- کیومرث یوسفی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۳- احمد بهتانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۴- بهرام بهتانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۵- اکبر بهزاد پور (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۶- منوچهر بهزادی (حزب توده ایران)
- ۶۷- سیامک بهزادی
- ۶۸- محمود بهکی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۶۹- علی بهکی (سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت)
- ۷۰- بهرام بیداریان (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷۱- نادر حسن بیدگلی (حزب توده ایران)
- ۷۲- محمد حسین بیدگلی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۷۳- کمال الدین پاکدل (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷۴- محمد علی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی سرشناس دوران ستم‌های)
- ۷۵- اسدالله پژمان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۷۶- پناهنده
- ۷۷- سید محمود پناهی
- ۷۸- مهر داد پناهی
- ۷۹- اسدالله پنجه‌های
- ۸۰- هادی پور احمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸۱- اسماعیل پور محمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸۲- مرشد پیر ژواد
- ۸۳- سعید تاج‌دینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۸۴- تاغردان
- ۸۵- کریم تالابی
- ۸۶- محسن تراب‌زاده (سازمان مجاهدین خلق)
- ۸۷- علیرضا تهاجدی (راه کارگر)
- ۸۸- ۹۲- هوشرو خانواده تقی‌زاده
- ۹۳- توفیق (سازمان مجاهدین خلق)
- ۹۴- علی توتونچیان
- ۹۵- جابر تهران کعبی
- ۹۶- ثابتی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۹۷- فرید ثابتی
- ۹۸- نائیبان
- ۹۹- احمد ثقلینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۰۰- دکتر جعفر جاویدفر (حزب توده ایران)
- ۱۰۱- جلیل چابری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۰۲- مولاجلی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۰۳- ابوبکر جدیدالاسلام (حزب توده ایران)
- ۱۰۴- عباس جعفری
- ۱۰۵- حسن جلالی (حزب توده ایران)
- ۱۰۶- محمد خاچالیفر (حزب توده ایران)
- ۱۰۷- اسماعیل جمیلی (حزب توده ایران)
- ۱۰۸- تاسم جواد (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۰۹- مسین چودت (حزب توده ایران)
- ۱۱۰- جعفر جهانگیری
- ۱۱۱- ابراهیم چاوشی
- ۱۱۲- محمد حاتمی
- ۱۱۳- هدایت‌الله حاتمی (حزب توده ایران)
- ۱۱۴- امیر حاتمی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۱۵- امیر حسین حاج محسن
- ۱۱۶- فرهاد حاج میرزایی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۱۷- اسماق حاج ملکی (حزب توده ایران)
- ۱۱۸- لیلی حاجیان ژواد (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۱۹- حجازی
- ۱۲۰- تادر حبیبی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲۱- محسن حجری بستانی (حزب توده ایران)
- ۱۲۲- عباس حریری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۲۳- منصور حریری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۲۴- محمود حسن پور اصر (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
- ۱۲۵- ابراهیم حسن پور شیرازی (حزب توده ایران)
- ۱۲۶- محمد حسینی پاک (حزب توده ایران)
- ۱۲۷- محسن حسن پور (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۲۸- شمسین حسین پور (حزب توده ایران)
- ۱۲۹- رحیم حسین پور رودسری (راه کارگر)
- ۱۳۰- محمد حسین خوانی (حزب توده ایران)
- ۱۳۱- محمد حسینی
- ۱۳۲- امیر حسین حسینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۳۳- قلام حق‌بیان (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۳۴- حسن حقیقت (سازمان مجاهدین خلق)



تصمیمات اخیر ایک

اجلاس آذربایجان، سازمان کشورهای ما درکننده نفت (اوپک) با توافق بر سر سهمیه بندی تولید نفت و کاهش سقف تولید این سازمان تا حد ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز برای سال ۱۹۸۹ میلادی و با موفقیت به پایان رسید.

اختلافات ایران و عراق، با افزایش نسبی سهمیه ایران و توافق این کشور با سهمیه عراق که با اختصاص بخشی از سهمیه عربستان و کویت به آن، بسیار بالاتر از سهمیه واقعی عراق و معادل ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز است، حل گردید. بدین ترتیب عمده ترین مسأله مورد مناقشه در اوپک حل شد.

موضوع دیگر مورد اختلاف در اوپک، تعیین سطح قیمت نفتی بود. عربستان سعودی با طرح ایده تثبیت قیمت نفت در حد ۱۵ دلار، اجلاس را دچار مشکل جدی نمود. حاصل این اقدام عربستان که کاهش سریع قیمت نفت در بازارهای جهانی بود، در چند سال اخیر سازمان اوپک تلاش نموده است که با محدود کردن سقف تولید، ضمن توافق با کشورهای ما درکننده نفت غیر اوپک، قیمت نفت را در ۱۸ دلار تثبیت نماید. برخی کشورها قیمت بالاتری را پیشنهاد می نمایند. این بار رنیز اوپک به سر استراتژی خود باقی ماند و با موافقت اعضاء با رقم ۱۸ دلار، این مشکل نیز برطرف گردید و اجلاس اوپک با موفقیت به پایان رسید. اوپک گشاکش بزرگی را پشت سر نهاد.

قهرمان خلق ...

به دنبال ضربات سال ۵۵ رژیم شاه به سازمان، با توجه به شور و شعور توانایی که سازمان در اوپا قهرمان بود، در رابطه مستقیم با رهبری سازمان و به طرز مشخص با یکی از رفقای رهبری قرار گرفت. در شرایط سخت پس از ضربات، خدمات توفیق العباد در زندان به سازمانش کرد. در نتیجه امکانات و توانایی های شخص او و گروهش، ارتباط سازمان با دانشگاه های تهران گسترش یافت. هسته های دانشجویی متعددی در دانشگاه های تهران از طریق ارتباط "دبای" به گروه و مربوط بودند. با توجه به تئوری مردمی و متواضع صمد، سازمان توانست از طریق او نخستین هسته های کارگری را در کارخانجات تبریز به وجود آورد.

نقش صمد در جنبش خارج از محدوده تهران از قهرمانی برجسته زندگی او است. در سال ۵۶ - که جنبش زحمتکشان مناطق خارج از محدوده تهران آغاز شد - صمد در آن شرکت قرار داشت. بخش عمده کتاب "گزارشاتی از مناطق خارج از محدوده که پس از انقلاب انشا و بیرونی یافت، توسط صمد تهیه شده بود. در مرحله شمیران نونیا رنگ، چند تن از زحمتکشان برای مبارزه با عوامل شاه که قصد تخریب شاه را داشتند، شبی در خانه ای هم قسم شده بودند. صمد به طور غیر مستقیم رهنمودهای لازم را به آنان می داد. در جنبش زحمتکشان حمله کاظم آباد - شمش آباد، حمله مجیدیه، صمد شخصاً در رأس جنبش بود. تمام نامه های که زحمتکشان به شهرداری و شاه و دیگر مقامات نوشته اند، توسط صمد نوشته شده اند. روزی که مردم کاظم آباد - شمش آباد به کاخ نیاوران رفتند و پس از حدود ۲۰۰ متر پدیده روی در نزدیکی کاخ، ما مورین رژیم داخل کردند که اگر قدمی دیگر برداشته شود، شلیک خواهد کرد. صمد آنجا جلو می بود. مردم از او خواستند که به عنوان نماینده شان با رژیم مذاکره کنند ولی به توصیه او همه پذیرفتند که فردی را به عنوان نماینده معرفی نکنند. صمد سال ۵۶ را بدون آرا و قورار، وقف جنبش حاشیه نشینان، جنبش دانشجویی و سازمان ندهی جنبش کارگری تبریز کرد. مدام میان تهران و تبریز در حرکت بود. شب همراه اعلامیه و کتابها را می تبریزی می گشت، گزارش می گرفت، رهنمود می داد و صبح روز بعد راه می تهران می شد. او علیرغم وظایف رهبری مبارزه در عین حال در تهران نیز شخه همراه و علنی پیش اعلامیه بخش می کرد. صمد مبارزه مخفی و علنی را استادانه تلفیق می کرد. او ضمن مبارزه مخفسی، در کارخانه صدوق نوساز که به پزان، یک شرکت نسبتاً باسور و چند شرکت کوچک نیز قرار می کرد.

صدا زجر بسته ترین تپ های مردمی سازمان بود. او به راحتی به دل مردم راه می یافت. کاروانی و شوخ طبعی، تواضع و شجاعت از خصایل برجسته او بود. استادان تلفیق کار مخفی و علنی بود. در خانه تئیم گرو صمد در دوره شاه، به جز بزرگ تخت خواب همه چیز در اختیار همسایه ها بود. در همین خانه یک بار سینه زنی اشورا از طرف مردم محل برگزار شد و با ردیگر گوشتن قربانی عید را در همین خانه سربریه اند. او هر آنجا که لازم بود، علناً وارد صحنه می گشت. با اعلامیه انفجار دفتر حزب رستاخیز صمد و رفقایش در روز روشن در بازار تهران را بخش کردند. صمد، در خیزش خودی سال ۵۷ فعالانه شرکت کرد. در جریان قیام و تخریب دکان های تهران از سازمان نگران بود.

درگیری بزرگ او یک به دنبال دو احوال - شورتنی ناموفق وزرای نفت کشورها و عضو او یک بود که با حضور عده ای از نمایندگان کشورها و صادر کننده نفت غیر اوپک در ماه های اردیبهشت و خرداد سال جاری تشکیل گردید. عده ای پیشنهادی که عذوبه را به قیمت سهمیه های تولید تعیین شده، با عهت شد - سقف تولید نفت این کشورها در مجموع ۲۲ تا ۲۴ میلیون بشکه در روز بود. این مقدار نفت در شرایط تولید گردیده که تقاضای این کشورها حدود ۱۹ میلیون بشکه در روز بود. این حد تولید به منظور تأمین نیازهای ارزی بسیار بسیار کم بود. اوپک با توافق بر سر سقف تولید نفت این کشورها عذوبه را به قیمت صورت می گرفت. این کشورها عموماً دچار کسری های عظیم در تولید نفت می شدند. اما حاصل این اقدام، کاهش با زهم بیشتر بهای نفت بود که در عمل به کاهش جدی درآمدهای آنها انجامید. عدم توافق کشورهای ما درکننده نفت عضو اوپک به دلیل استراتژی جدید نفتی عربستان سعودی و برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مبنی بر پایان دادن به اشتغال نفت و نیز منافع منافع ایران و عراق بر سر مقدار سهمیه تعیین شده هر یک بود. عراق و کویت سهمیه های مساوی با ایران را گردیده بود در عمل نیز عربستان و کویت با صدور نفت منطقه بی طرف به حساب عراق، علاوه بر تولید داخلی این کشور، سهمیه آن را به حد سهمیه ایران رساندند. عراق در سال های اخیر به هیچ وجه حاضر به تمکین به مصوبات اوپک نگردید. البته دیگر کشورهای اوپک نیز در عمل سهمیه های تعیین شده را رعایت نمی کردند. این منافع اشتغال با بیش رفت که تا بیرون عراق و سپس عربستان از اوپک

سازمان پس از قیام صمد را با توجه به موقعیتش در تبریز، به زادگاهش اعزام کرد. او از سازمان در آن ستاد فداییان در تبریز و از اعضای برجسته شاخه آذربایجان بود. صمد در تبریز با توجه به بیشتری به جنبش کارگری پرداخت. به استکار او از اوایل سال ۵۸، جلسات عمومی کارگران را عقلمند به مسایل کارگری و مدنی بعد "هسته های کارگری" شکل گرفتند. علیرغم کار توفیق العباد زیاد که به بسیاری رهبران سازمان در آذربایجان وجود داشت، او حتی جزئی ترین مسایل هسته های را به تعقیب می کرد. حتم فراوان کار رسیب تشکیل "کمیته کارگری" کرد. صمد نیز کار این کمیته بود. جنبش کارگری تبریز در سال های پس از انقلاب تحت نظارت مستقیم او رشد کرد. در نهایت اعتصاب پیروزمند کارگران کاظم آباد - شمش آباد نیز نقش درخشان داشت. آخرین کار او تلاش اعلامیه های که به امضای کارگران انشور و انتشار می یافت، با او بود. او نقش بسیار برجسته ای در برگزاری جشن های اول ماه مه سال ۵۹ - ۵۸ تبریز ایفا کرد. سرودی که در این روزها در خیابان های تبریز توسط تنه کارگران شرکت کنندگان، در طنین افکند، با پیشگامی او تهیه شد. آن روز که سیل کارگران تبریز، سرود تهیه شده سازمان را با یکبارگی قریباً می زدند، صمد نیز با روی خندان پای می گوید:

بیرلشین، بیرلشین دنیا نین کارگرلری
بیرلشین، بیرلشین آذربایجان کارگرلری
بیغیشین، بیغیشیق، شورور قوروراج

او را به حق سازمان دهنده جنبش کارگری آذربایجان نام داده اند. صمد محبوب سازمان، محبوب کارگران بود. صمد در سازمان ندهی انتشارات مخفی شاخه و در توزیع، نقش درخشان او با بازی می کرد. سازمان ندهی جا بخانه مخفی مستقیماً بردوش او بود و توزیع عمده را خود او انجام می داد. در نتیجه مساعی صمد، علیرغم تمام تلاشهای دشمن، انتشارات مخفی سازمان در تبریز از ضربه دشمن مصون ماند.

کمیته کارگری که صمد در آن بود، در سال ۵۹ با ازجود شدن چند رفیق دیگر به کمیته تبریز تبدیل شد. کنفرانس ایالتی آذربایجان که در همین سال تشکیل شد، او را به اتفاق آرا به عضویت در کمیته ایالتی آذربایجان انتخاب کرد. در انتخابات کمیته به عنوان عضو هیئت اجرایی کمیته ایالتی برگزیده شد. او دبیر دوم ایالت، دبیر اول کمیته ولایتی تبریز، مسئول شعبه تشکیلات ایالت و کمیته بود. در سال ۶۱ از طرف هیئت اجرایی کمیته آذربایجان به نامزدی عضویت در کمیته مرکزی سازمان معرفی گشت و سپس به عضویت کمیته مرکزی پذیرفته شد. تا ضربه ها و اوبلیس سال ۶۲ صمد به طور خستگی ناپذیر و شایسته روزی به وظایف انقلابی خویش عمل کرد.

در مقطع ضربات سال ۶۲ او همچون ندری که زاده خویش را در خطر هلاکت ببیند، تمام تلاش خود را به کار برد تا سازمان را از زیر ضرب خارج سازد. در اوایل سال ۶۲ ناگزیر در کرج مستقر شد. مسئولیت آذربایجان را بر دوش گرفت. او سپس به تهران رفت و در آن شرایط خطیر، تشکیلات سازمان را در آذربایجان و شمال هدایت نمود. دشمن که از حواس نفوذ او و در سازمان مطلع بود، با وسواس برای دستگیری اش تلاش می کرد. او با ردا از جک مزدوران رژیم گریخت.

بسرزبانها افتاد. در نتیجه این برخورد ها اساساً خود این کشورها منفرد گردیدند. ضروری بود تا اقدامات جدی برای مقابله با بحران صورت گیرد و این امر زمینه ساز توافق اخیر و زاری نفت کشورها و عضو اوپک گردید.

تا شورتوافقی های اجلاس اخیر اوپک در بازارهای نفت جهان، افزایش بلافاصله بهای نفت برنت نفت دریای شمال و نفت سبک دومی، هر یک سهمیه میزان ۱/۴ دلار در بشکه بود. اما آیا روند صعودی بهای نفت ادامه خواهد داشت و به حد تعیین شده اوپک یعنی ۱۸ دلار برای هر بشکه خواهد رسید؟ این امر تا حد زیادی به این بستگی دارد که اعضای اوپک به توافق حاصله مستعد می مانند. تاکنون که چنین نبوده است، پای بندی به توافق های صورت گرفته، عمده ترین مسأله ای است که اینک در مقابل اوپک قرار گرفته است. تنها با رعایت دقیق این توافق ها امکان دست یابی به اهدافی که اوپک در مقابل خود قرار داده است، وجود خواهد داشت و منجر به تحکیم این سازمان خواهد گردید.

همانگونه که در شما ره قبل اظهار داشتیم و اذاعت تبریز آن را اثبات نمود، تنها اوپک قادر است علیرغم تضامی رفقای خود، بحران را حاکم بر بازار نفت را حل نماید و منافع کشورهای ما درکننده نفت را در مقابل انحصارات بزرگ نفتی امپریالیستی تا مین و تضمین با دستورات اخیر آنها گامی در این راستا است. آیا این گام زمینه ساز موفقیت های تازه ای خواهد بود، یا صرفاً روی کاغذ خواهد بود؟ با دیدار انتظار تحولات بعدی در اوپک بود.

مقطع سال ۶۲ از فرازهای برجسته زندگی صمد بود. او مظهر اعتماد دین نفس، شجاعت، هشیباری و فداکاری می بود. او با رفتار خویش، روح پایداری را در رفقایش می پدید آورد. بیجا از آن رویش اندیشه حفظ جان رفیقانش نبود. بارها بر سر قرار مشکوک می رفت، تا رفیق دیگر او را آلودگی قرار مطلع سازد، بارها قبل از اجازات قرار رفیقانش، محل قرار و مسیر حرکت رفیقانش را جکی می کرد تا همزمانش مورد هجوم دشمن قرار نگیرد. او مدام می گفت: "هیچ دوست ندا. مردم شنومولی اگر روزی دستگیر شدم می خواهم به دو خیمان به قیام نامه "بیج وین" جقدر بی معنی است. می خواهم به آنها به قیام نامه که کمونیست های ایران تا پای حسان از آرماتشان دفاع می کنند. مرگ را می بپذیرند و وقت و ذلت را هرگز".

فعالیت توکل العاده صمد، حساسیت نفسش او، شجاعت بی باکی، بیجا زحدا و از یک طرف و تلاش پلیس برای دستگیری او را انجام به دستگیری اش انجام میداد. او در تاریخ ۲۹ بهمن سال ۶۲ در تهران، در سر قرار، دستگیر شد. او از این لحظه بزرگ دیگری در حیات این انقلابی بزرگ گشوده شد. زرمین از دستگیری او بلافاصله و حتی نه ترین شکنجه را در مورد او به کار گرفت. ولی جواب صمد "نه" بود. از دهها قرار، از دهها امکان - که حتی می دانست تخلیه هم شده اند - از اطلاعات و بیخ سازمانی او، پلیس حتی به یکی راه نداشت. ۹ ماه پس از بازداشتش که خبر دستگیری به خانواده اش رسیده بود، روشن شد که جز نام او نامی و خلق سازمانش جزید دیگری نگفته است. جلادان بیکرمقا و مشش را زیر شکنجه می زدند، ولی او به بیما نش با خلق سازمان پشت نکرد. او که همواره در خطر اعدام بود، بی آرا و قورار مبارزه را حتی در شکنجه ها هم می گرفت. او را بارها با شکنجه اطلاعاتی از او داشتند - روبرو گردند ولی ناصح شکسته گان راه راه و راست نکرد. صمد از آخرین آزمون انقلابی سرفراز زیبرون آمد. بیکرش را صدها بار در هم دریدند ولی روحش تسلیم پذیرا می ماند. او در تمام اعترافات سال ۶۶ و در تمام جنبش زندانیان سیاسی تا لحظه شهادتش، از صاحیان اتوریته و مقصد او از سازمان نگران اصلی بود. زندانیانی که صمد را در این سالها دیده اند، از صمد به عنوان "یک کوه یاب" کرده اند.

صمد در بیاض سال ۶۷ به همراه با ران دیگرش به دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی ایران به خون غلیظ، انسانی شریف، فقها و دوستان انقلابی ای شجاع و سخت کوش و فداکار، گوهری کمیاب گمشده های جنبش آزمان ما رفت. انسانی شریف، با زمانه برجسته کمونیستی خستگی ناپذیری قرار، رهبر کارگران تبریز، فاتح زندان های خصی، زاردار خلق و سازمان فرزند دلاور شهروادین تبریز، با سادارست دلاوری های با یک وستار روحیدر، رفیق صمد سلامی ظاهر می شد.

فداییان خلق و کارگران تبریز - آنگاه که از جنبش سخنی به میان آمد، صمد را با دخوا هند کرد و با افشاندن اشکی منتها را ارگه خوا هند کرد. بیاد او الهیا بهشتیان خوا همدگشت. گرامی به تدبیر، پرور و هرباد راهش.

در این بن بست

دهانت را می بویند
مبادا که گفته باشی دوستت می دارم
دلت را می بویند

روزگار غریبیست ، نا زنین
و عشق را

کنا رتیرک را هبند
تا زیانه می زنند .

عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد
در این بن بست کج و پیچ سرما
آتش را

به سوختبار سرود و شعر
فروزان می دارند .

به اندیشیدن خطر مکن .
روزگار غریبیست ، نا زنین
آن که بر در می کوبد شبها هنگام
به کشتن چراغ آمده است .
نور را در پستوی خانه نهان باید کرد
آنک ، قصا با نند
بر گذرگاه ها مستقر
با کنده وسا طوری خونالود
روزگار غریبیست ، نا زنین
و تبسم را بر لب ها جراحی می کنند
و ترانه را بردها ن
شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد
کباب قناری
بر آتش سوسن و یاس
روزگار غریبیست ، نا زنین
ابلیس پیروزمست
سورعزای ما را بر سفره نشسته است .
خدا را در پستوی خانه نهان باید کرد

احمد شاملو

قضیه نه تنها استمرار دارد، بلکه قبل از جنگ وجود داشت و الان هم وجود دارد و در آینده هم وجود خواهد داشت و بر شدت آن افزوده خواهد شد. جنگ در کردستان از نظر زمانی جلوتر از جنگ ایران و عراق وجود داشت، اما چنانچه قبلاً ذکر کردیم، جنگ ایران و عراق به ما نتایج پدید آورده‌ای مانع از هویدا شدن خطت ترقی خواهانه این جنبش در برابر افکار رعمومی جهان و دوستان خلق کردند. در شرایط فعلی این امکان وجود دارد که این قضیه جایگاه واقعی و ابعاد حقیقی خود را به مثابه ساله یک ملت با زیاده‌بویایی که مثل تمامی خلق های جهان جایگاه واقعی خود را اشتهال کند...

در این شکی نیست که ساله کرد، فقط یک ساله ملی در داخل یک کشور کثیرالمله نیست بلکه ساله کشور و خلقی است که با کمترین برآورد هسا بیشتر از ۲۰ میلیون نفر جمعیت دارد، و بین چند کشور تقسیم شده است. در حالی که از نظر حقوق ملی در محرومیت کامل و بیسرمی برده.

بنابراین خط فاصل بین هرگز، از کردستان یک خط سیاسی خیالی است. زیرا مناطق داخلی هرگز، از کردستان بخشی از جزء دیگران است بدون هیچ مانع طبیعی و ملی، بنابراین چنین نیست که ساله کرد، ساله بخشی از ملت است، که اکثریت و یا جزئی از آن از حقوق کامل برخوردار است و یا دولت ملی مستقلی دارد، کما اینکه چنین حالتهای دردنیای امروز فراوان است. بسیاری مثال علی‌رغم وجود جمهوری سوسیالیستی آرمستان میلیونها ارمنی دردنیای برانگنده هستند و یا ساله ملی محارها علی‌رغم وجود جمهوری مجارستان و یا اقلیت سوبالی دریعضی از کشورهای آفریقا، علی‌رغم وجود کشور سوبالیو...

از این نوع مثال فراوان است. این نصیب خلق کردند که همه کردها در خارج از کشور سیاسی و احکامات ملی به سر بر نداشتن این خلق همه نیروی خود را در راه تامین حق تعیین سرنوشت خویش بکار گیرند. برای دشمنان خلق کسرد مناسب این بود و هست که هرگز، از جنبش ملی کرد را از جزء دیگر منفک و منفسرد کنند، آنچه روشن است این است که مصلحت کشورهای بی که کردستان را ما بین خود تقسیم کرده‌اند، ایجاب می‌کند که این کشورها برای قلع و قمع جنبش ملی خود تقسیم کار بکنند. لازم به تذکر است که منهای مرزهای مناطق هم‌جوار اتحاد شوروی، کردستان با هیچ کشور دوست و حتی بی‌طرفی مرز مشترک ندارد.

من به این دلیل به این حقایق روشن اشاره می‌کنم تا آنهایی که با این قضیه بی‌توجه دارند، به خصوص و عمومیت ساله کرده فقط در آینده، بلکه از همین الان توجه کنند. این امر به عمق و غنی و وسعت جنبش خلق کسرد و وحدت نیروهای آن و وحدت آن با جنبش دمکراتیک در داخل هر کشور یعنی جنبش دمکراتیک در کشورهای ایران و عراق و ترکیه بستگی دارد. در اینجا اهمیت دارد که به نقش احزاب طبقه کارگر در سه کشور مذکور و ضرورت رابطه با جنبش ملی کرد در داخل هر یک از آنها اشاره شود، در آخرین تحلیل برخورد با این جنبش، ساله و وظیفه این احزاب است، نبایستی از این دلگیرند، اگر

گفته شود که بعضی از ما به مجرد اینکه بعضی از فرمول‌های خام و درست در این خصوص را در برنا می‌دهای خود ذکر کردیم از خود ما راضی و خوشنود شده و وظایفمان را در این زمینه تمام شده تلقی می‌کنیم. در حالی که وظایفمان از این سن بسیار فراتر است، ما نبایستی که در راه تامین حقوق کامل برای خلق کسرد درگیران نیرو دلاورانه شده و رهبری آنرا بدست بگیریم. جنبش‌رهای بخش خلق کرد، نیروی انقلابی بزرگی در کل منطقه است. حال به این بستگی دارد که ما بتوانیم آن را درک کرده و از آن بهره بگیریم...

توجیه می‌کرد، جنگی که هدف آن از بین بردن خلق کرد عراق بود. روشن است که ساله کرد قبل از جنگ ایران و عراق و مستقل از آن وجود داشته و دارد، اما با توجه به این نکته ضروری است که بعضی از عوامل عینی مستقل از سیاست‌ها، توان و امکانات احزاب کرد در وی ساله کرد تا شبر می‌گذارد و ابعاد قضیه را از چارچوب کردستان فراتر می‌برد. منظورم جغرافیای سیاسی کردستان است، زیرا این ساله به میزان زیادی به جغرافیای سیاسی وابسته است. حکومت‌هایی که کردستان را بین خود تقسیم کرده‌اند، زیرا به این ساله به اندازه استفاده‌ای که از آن می‌برند توجه می‌کنند. این طبیعتاً بر ضرورت دستاوردی است که خلق کرد در یکی از این کشورها کسب می‌کند، زیرا به نمونه و محرکی برای کل قضیه تبدیل می‌شود.

سؤال - اطلاع دارید که مذاکرات جاری بین دورژیم در مورد صلح توان مشکلاتی است و به‌کندی پیش می‌رود، رژیم ایران روی اجرای مواد قطعنامه ۵۹۸ به ترتیب اصرار دارد و خواهان این است که اساس مذاکره با رژیم عراق قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر باشد، حکومت عراق نیز بر این قضیه تاکید دارد که مذاکره درباره اروند رود و لایروبی فوری آن مقدم بر سایر مواد باشد و اروند رود به عنوان آبراه بین المللی پذیرفته شود، نظر شما در مورد دلایل کنسردی مذاکرات چیست و چشم‌انداز چگونه می‌بینید؟

رفیق عزیز محمد: این درست است که روند مذاکرات به‌کندی پیش می‌رود، بعد از آن همه مسایلی که بین دو کشور، رخ داده است، این ساله تعجب‌آور نیست، جدا از اختلافات تاریخی و مشکلات جدی و رسوبات قدیمی و بعضاً مزمن، جنگ ۸ ساله هم برداشته‌ای اختلافات افزوده است، آنچه که برای ما اهمیت دارد، بکار گرفتن راه‌های مسالمت‌آمیز برای حل مشکلات فیما بین دو کشور است. حال این راه هر قدر می‌خواهد طولانی باشد و یا مذاکرات بی‌فربج و پیچیده شود. به نظر می‌رسد که مسئولینی که در برپا کردن جنگ و ادا مه آن دست داشتند، تحت تاثیر جنایتی که از طریق جنگ در حق مردم مرتکب شده‌اند و فاجای هولناکی که نسبت به مردم دو کشور روا داشته‌اند، درین‌های تلخی گرفته‌اند که آنها را از فکر کردن به جنگ دور می‌کند. هر دو طرف قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را قبول دارند، اما هر یک از آنها از این قطعنامه تفسیر خاصی می‌کنند. حداقل در مورد مرزهای بین المللی وضع چنین است. کدام مرزها؟ مرزهای قبل از قرارداد الجزایر و یا بعد از آن، البته ما معتقدیم که این قرارداد منطقی قرار داد الجزایر است، امتیازی خائنه به رژیم‌شاه توسط حکام عراق بود، امتیازی که سرکوب مبارزات خلق کرد به رهبری زنده باد ملامطقی با رزانی را مدنظر داشت. اما آیا اختلاف بر سر این ساله و یا هر موضوع دیگری، نبایستی بر سر راه از بین رفتن حالت جنگی بین دو کشور مانع ایجاد کند؟ خیر ما به موضوع این چنین نگاه نمی‌کنیم، مذاکرات هر قدر می‌خواهد طول بکشد، نبایستی عامل زمان هم مثل تمامی شیوه‌های مسالمت‌آمیز دیگر در حل این اختلافات موثر واقع شود.

سؤال - علی‌رغم توقف جنگ ساله ملت کرد که یکی از مسایل حاد و بحرانی منطقه است، آیا امکان دارد که در آینده این ساله از یک ساله منطقه‌ای محدود به ساله بین المللی تحول پیدا کند؟ آیا فکری کنید که این ساله در سازمان ملل متحد مورد بحث واقع شود؟

رفیق عزیز محمد: به علی‌رغم پایان یافتن جنگ !! من دوست دارم که این جنبش جواب را شروع کنم، صحیح این است گفته شده که با متوقف شدن جنگ این

قطعنامه شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۰ دسامبر ۱۹۸۸، روز جهانی حقوق بشر، در اعتراض به

قتل عام زندانیان سیاسی ایران

است. به همت این کانون های مبارزه، در روز ۱۹ آذر چهلیمین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اعتراض به کشتار فجیع اخیر زندانیان سیاسی ایران، اجتماع بزرگی از ایرانیان مهاجر در بیست تشکیل گردید. در این اجتماع بزرگ حضار با رژیم فاشیستی دربار ایران در آن قطعنامه ای که به امضای ۲۰ کانون دفاع از زندانیان سیاسی و محافل دمکراتیک رسیده بود، صراحتاً در زیر متن این قطعنامه به اطلاع هموطنان می رسد:

- ... ما خواستار لغو مجازات اعدام هستیم.
- ... ما خواهان آنیم که دولت ها به هر شکل ممکن رژیم جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند تا بیش از این مانع سرفهشت های با زری کتنده از زندانیان سیاسی ایران نشود.
- ... ما خواستار آنیم که هیئت های از جانب مراجع بین المللی برای بررسی وضع زندان ها و تهیه گزارش از گورهای دسته جمعی و دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران اعزام شوند.
- ... ما از رسانه های گروهی آلمان و جهان می خواهیم اخبار جنایت های رژیم جمهوری اسلامی را در سراسر جهان بازتاب دهند.
- ... ما دروغ بزرگ مسئولین جمهوری اسلامی در تکذیب قتل عام زندانیان سیاسی ایران را افشا و به شدت آن را محکوم می کنیم.
- ... سکوت در برابر جنایت های بی شمار جمهوری اسلامی از طرف محافل بین المللی، تا شید تلویحی این جنایات است. و ما این سکوت را محکوم می کنیم و تا گرفتن نتیجه قطعی که همان قطع اعدام ها و شکنجه و آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی ایران است به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.
- ... ما از شما هموطنان آزاده خواستاریم، تمام بتکارات خود را در جهت دفاع از زندانیان سیاسی ایران متحداً به کار گیرند.

کمیته سرگرای تظاهرات ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر
منتخب ۲۰ سازمان دمکراتیک

محکومیت جنایات رژیم در سازمان ملل

رژیم جمهوری اسلامی برای پنجمین بار به خاطر نقض خشن حقوق بشر، قتل عام زندانیان سیاسی و مخالفان عقیدتی، در سازمان ملل متحد محکوم گردید. در قطعنامه سازمان ملل متحد، اعدام های زندانیان سیاسی در شهرهای مختلف کشور به وسیله رژیم ایران شدیداً محکوم شده است. در قطعنامه موارد گسترده نقض حقوق بشر در رژیم ایران از جمله در موارد مربوط به اعدام، شکنجه و شکنجه وحشیانه و غیر انسانی زندانیان، نقض خشن حقوق آزادی و امنیت فردی، حق محاکمه عادلانه، حق آزادی فکری و عقیده مورد تاکید قرار گرفته است. سخنگوی عضوین الملل در مصاحبه خود بیامون توضیح قطعنامه، اعدام گسترده و بی نظمانی مخالفین سیاسی حکومت ایران را حقیقتی غیر قابل انکار خواند و اظهار داشت با استناد به غریبه مختلف از جمله ازبان بستگان اعدام شدگان نسبتی از نامیش از ۳۰ نفر از اعدام شدگان تهیه شده است که این تعداد تنها بخش کوچکی از اعدام های سیاسی جندها را خبررسانان می شود، رقم حقیقی اعدام زندگان بر سه ۱۰۰۰ نفر می زند. علیرغم دروغ پردازی های رژیم در راستای حقوق بشر، قطعنامه سازمان ملل، سند جدیدی در محکومیت رژیم در مقیاس بین المللی است.

شادباش سال نو به هم میهنان مسیحی

هم میهنان مسیحی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، آغاز سال نو میلادی را به شما صمیمانه شادباش می گوید. آرزو داریم سال جدید میلادی، سال مبارزه گسترده تر هم میهنان مسیحی و همه مردم ایران علیه رژیم استبدادی ولایت فقیه، برای تأمین آزادی و صلح پایدار در کشور باشد. با آرزوی آن که این مبارزه، راه زندگی سعادت مندانه در ایران باشد. صلح میز، راه تیسک، مستقل و آزاد استمطیقاتی، ملی مذهبی و فرهنگی را که هدف و آرمان ما است، هموارتر کنند.

سازمان فدا بیان خلق ایران (اکثریت)
آدرس
PI.10
1091 WIEN
AUSTRIA

خارج کشور شده و آنان را در اتحاد علیه رژیم مسموم کرده است. احساسات مشترکی که شکل گرفته با به تکرار مشکل های دمکراتیک شده است که به سرعت با می گیرند و هر یک بخشی از آرزویان مهاجر را متشکل می کنند و در مجموع نیروی بزرگی از اعتراض و مبارزه را علیه رژیم متحد می سازند. این حرکت امیدبخش و آینده آفرین، نخستین شمرات خود را به بار آورده است. در میان صدها اعتراضی ایرانیان مهاجر، بزرگ ترین اعتراضات به سه وسیله حرکت هماهنگ همین شکل ها سازمان یافته

در مقابل به ما دمنشها و خمینی علیه زندانیان سیاسی ایران، در اعتراض به قتل عام فرزندان دلاور خلق در زندان ها، برای برانگیختن اعتراض جهانی علیه فاجعه ملی که هنوز در میهن ما در جریان است، ایرانیان مهاجر در کشورهای مختلف جهان به تلاش عظیمی دست زده و با برپا کردن تظاهرات، اعتصابات غذا، تحن و غیره، جهان را به امداد می طلبند. خون های که در سیاهال های رژیم به زمین می ریزد، رشته سرخ اتصال نیکدلان ایرانی را در هموطنان آزاده، بشهریست ترقی خواه!

امروز، در روز جهانی حقوق بشر، گرد آمدیم تا جوج اعدام ها و قتل عام زندانیان سیاسی در شمای زندان های ایران توسط رژیم ترون وسطایی جمهوری اسلامی را محکوم کنیم.

اعدا دسته جمعی هنوز ادامه دارد. هنوز خبر اعدام ها و دستگیری های جدیدتری به ما می رسد. اگرچه اکنون حتی مراجع بین المللی، محافل سیاسی و دولت های که اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا کرده اند از این امر آگاه شده اند، اما هنوز عمل قاطعی که بتواند جلوی کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی را بگیرد صورت نگرفته است. هموطنان گرامی، بشهریت آزادی خواه، مردم آلمان!

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، توسط دولت جمهوری اسلامی، بر اساس گزارشات کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، عضوین الملل و رسانه های گروهی جهان، کشتار زندانیان به طور وحشیانه تری ادامه یافته است. ما به عنوان هموطنان، همدردان، بستگان و دوستان عزیزان در بند و اعدام شده در اینجا گرد آمده ایم، تا توجه و اعتراض افکار عمومی سازمان های بین المللی را نسبت به نقض خشن حقوق بشر و قتل عام زندانیان سیاسی ایران برانگیزیم، ما شرکت کنندگان در حرکت اعتراضی امروز اعلام می داریم:

... ما خواستار قطع فوری قتل عام زندانیان سیاسی ایران و آزادی بی قید و شرط باقی مانده زندانیان هستیم.

جهان در سالی که گذشت

سال ۱۹۸۸ میلادی روزهای پایانی خود را طی می کند. جهان یک سال پر تحول را از سر گذرانده است. سال گذشته، سال تلاش نیروها و کشورهای درگیر و دستگیر در حل مسایل منطقه ای و عمومی جهان بود. پذیرش آتش بس توسط رژیم صهیونی در جنگ هشت ساله ایران و عراق، انعقاد قرارداد دژنوساری حل مسئله افغانستان، امضا مفاهیم و بهر از اوایل جهت آرام سازی منطقه جنوب غربی آفریقا، برداشتن گام های مثبت در راه حل مسئله کابوچ، اعلام کشور مستقل فلسطین و شکست شدن بین بست مذاکره در این رابطه، از جمله تحولات سیاسی مهم یک ساله اخیر بوده است. در عین حال در سال گذشته خلق فلسطین همچنان در راه کسب حقوق تعیین سرنوشت خویش قهرمانانه در زور میبند و قربانی داد، مبارزات مردم گره جنوبی، دیکناتور چون دو هوا را از آریکه قدرت بهز پر کشید. در بر منسه تظاهرات و اعتصابات برای احیای دمکراسی در کشور، ما هم ادا شده است. و در جهان سوسیالیسم مناسبات دو کشور بزرگ سوسیالیستی، اتحاد شوروی و چین روزه بهبودی نهاد، کنفرانس مهم سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی در تبریک ساله تشکیل گردید و سایر کشورهای سوسیالیستی از جمله چکسلواکی، بلغارستان، لهستان، یوگوسلاوی و ... به تمهیدات و تصمیمات تأییدیه ای در راستای سوسیالی جامعه دست یازیدند. برخی از رویدادهای مهم سالی که گذشت را مرور می کنیم:

انعقاد قرارداد دژنوساریون مسئله افغانستان

در ۲۵ فروردین، مذاکرات دو جانبه افغانستان و پاکستان که از شش سال پیش با میانجیگری سازمان ملل متحد شروع شده بود، به انعقاد قرارداد مهمی منجر شد. گرچه تاکنون طرف پاکستان از اجرائی آن سر باز زده و دولت آمریکا نیز به عنوان یکی از دو کشور بزرگ تضمین کننده قرارداد، در راه آن کار شگنی کرده و می کند، ولی این امید هنوز قطع نشده است که در صورت اجرائی مفاد آن که طرف های افغانستان و اتحاد شوروی به آن وفا داده اند، معضل افغانستان در مسیر حل قرار گیرد. با پیوستن منتظر بود که تا سببی نظریوتو، نخست وزیر جدید پاکستان، تا چنانچه انداز به اجرائی مفاد قرارداد پاکستان با بیند می ماند، نکته نگرانی آور آنکه بی نظیر بودتو علیرغم اعلام پذیرش قرارداد دژنوساری، با راه اعلام داشته است که دولت پاکستان به کت های خودیبه نیروهای ضد انقلاب افغانستان ادا نخواهد داد. پیروزی خلق فلسطین خلق فلسطین که در راه کسب حقوق تعیین سرنوشت و حفظ موجودیت خود با همه نیروها و مکان به

میدان آمده است، یک سال گذشته، صدها قربانی و هزاران زندانی از طرفی و اعلام تشکیل کنسور مستقل فلسطینی از طرف دیگر، کارنامه و حاصل این دوره تا به ای جان است. علیرغم موانع سنگینی که در راه مناسباتی وجودیت خلق و کشور فلسطین در دستگاه دولتی آمریکا وجود دارد، این قیام یک ساله مردم فلسطین بوده است که آمریکا را به عقب نشینی و بهای میزبانی کرده است. در طول این مدت به اعتبار با برمی خیزد خلق نهمان فلسطین، اهمیت و اعتبار رجحانی سازمان آزادیبخش فلسطین بیشتر شده و وحدت درونی آن مستحکم تر گردیده است.

تیراز ادا استقلال تا میبیا و خروج نیروهای کوبا و آفریقای جنوبی از خاک آنگولا

در طی سال گذشته، چندین بار رهیت های نمایندگی کشورهای آنگولا، کوبا و آفریقای جنوبی و همچنین آمریکا برای بیدار کردن راه حلی سراسری آرام سازی اوضاع در جنوب غربی آفریقا به مذاکره نشستند. ماه گذشته مفاهیم و نهادهای توسط هیئت های مذکور در برابر اوایل به امضا رسیده که از اوایل آذر سال آینده به اجراء در خواهد آمد. طبق این قرارداد تا میبیا به استقلال می رسد. آفریقای جنوبی از داخلت در اوضاع آنگولا حمایت از شورشیان این کشور خودداری می کند و نیروهای کوبا بی مستقر در خاک آنگولا به میهن خود عودت داده می شوند. پایان گرفتن جنگ داخلی در آنگولا و استقلال نامیها، یکی از کانون های درگیری منطقه ای واقع عادی خود را با زمی با سد مردم آن در شرایط جدید فرست خواهد شد با بهره گیری از استعدادها و امکانات موجود، سرنوشت خود را رقم زنند. بشهرت سرزمینشان را هموار سازند.

ادامه روند نوسازی در کشورهای سوسیالیستی

در سال گذشته، روند نوسازی انقلابی در جامعه کشورهای سوسیالیستی: اتحاد شوروی، چین، چکسلواکی، بلغارستان، یوگوسلاوی، لهستان، و ... غنای بیشتری یافت. در تبریک سال جاری، نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی با تصمیمات مهمی در راه مبارزه با بوروکراسیسم و تأمین اعمال اراده مردم تشکیل گردید. فضیای دمکراتیک حاکم بر کنفرانس در ۶۰ سال اخیر بی سابقه بوده است. در کنفرانس سراسری و بلنوم های احزاب کمونیست در چین، چکسلواکی، بلغارستان، لهستان و ... به تمهیدات جارسازی در جهت گسترش دمکراسی و بازسازی انقلابی و تحکیم سوسیالیسم در کشورهایشان دست زدند. در برخی از این کشورها، تغییراتی را در قانون اساسی در جهت پاسخ به الزامات رشد سوسیالیستی جامعه و مقابل به عقب ماندگی ها ضرورت تشخیص دادند و نیز به تغییرات اساسی در ترکیب ارگان های رهبری حزبی و دولتی روی آوردند.

پیروزی خلق فلسطین

خلق فلسطین که در راه کسب حقوق تعیین سرنوشت و حفظ موجودیت خود با همه نیروها و مکان به

پیروزی خلق فلسطین

خلق فلسطین که در راه کسب حقوق تعیین سرنوشت و حفظ موجودیت خود با همه نیروها و مکان به

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!